



تحولات ترکیه؛ نگاهی به سیاست داخلی و منطقه‌ای

دکتر میرقاسم بنی‌هاشمی*

اشاره:

ترکیه در چند سال اخیر دستخوش تحولات و چالش‌های گسترده‌ای بوده و روزهای پر بیم و امیدی را سپری می‌کند. هر چند در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ۱۵ سال گذشته، توسعه زیرساخت‌های حیاتی و بخش‌های مختلف اقتصاد ملی ترکیه رشد بی‌نظیری را نشان می‌دهد ولی در عین حال به غیر از کشورهای بحران‌زده، کمتر کشوری در گستره اوراسیا است که سیاست داخلی و منطقه‌ای آن مانند ترکیه مواجه با تنش‌ها و فراز و نشیب‌های عمیقی باشد. مسائل داخلی و روابط این کشور با اروپا و دیگر دولت‌های منطقه تحت تأثیر چند موضوع مهم؛ پیامدهای کودتای نافرجام سال گذشته، همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی، سیاست امنیتی آنکارا برای ایجاد منطقه امن در سوریه، بهبود روابط با روسیه و شکست و تعلیق پروژه صلح کردی بوده است. این نوشته به اختصار به تحلیل و ارزیابی پیامدها و تأثیرات برخی از این موضوعات بر مسائل و روندهای سیاست داخلی و خارجی ترکیه می‌پردازد.

مقدمه

در دوره حزب عدالت و توسعه، ۴۴ اصل قانون اساسی ترکیه در سه همه‌پرسی ۲۰۰۷، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۷ اصلاح و یا تغییر یافته است. مهمترین محورهای دو همه‌پرسی نخست؛ انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور توسط ملت، بازسازی ساختار و رویه‌های نظام قضایی، تغییر جایگاه و نقش نظامیان در نهادهای حاکمیتی بوده است. بسته پیشنهادی اصلاح و تغییر ۱۸ اصل قانون اساسی در فروردین ۲۷ فروردین ۱۳۹۶ را می‌توان مکمل دو همه‌پرسی پیشین و در چارچوب تلاش هدفمند اردوغان و حزب حاکم برای تغییر

نظام پارلمانی به نظام ریاستی دانست. البته در خصوص دلایل عزم قاطع دولت ترکیه برای تغییر ساختار نظام سیاسی ضروری است یادآوری شود که برخی چالش‌های سیاسی و امنیتی حزب حاکم در دو سال گذشته از جمله کودتای نافرجام تیر ماه ۱۳۹۵ و کاهش آراء این حزب در انتخابات پارلمانی ژوئن ۲۰۱۵ و ناتوانی در تشکیل کابینه دولت که این حزب را مجبور به مذاکرات مفصل و رایزنی با دو حزب مخالف «جمهوری خلق» و «حرکت ملی» برای تشکیل دولت ائتلافی نمود، زمینه‌ای شد تا اردوغان تغییر نظام پارلمانی به ریاستی را به مهمترین دستور کار سیاسی حزب خود تبدیل نماید. بر این اساس تقریباً تمام روندها و مسائل سیاست داخلی و حتی برخی روابط خارجی ترکیه در چند ماه اخیر تحت تأثیر مجادلات احزاب و رسانه‌ها و دیگر نیروهای اجتماعی بر محور تغییر قانون اساسی قرار داشته است.



مهمترین اصول پیشنهادی رفراندوم ۲۰۱۷ که نظام پارلمانی در آنکارا را به نظام ریاستی تبدیل می‌نماید، شامل موارد و محورهای زیر می‌باشد: حذف مقام نخست‌وزیری و تبدیل شدن رئیس‌جمهور به رئیس دولت، افزایش دوره ریاست جمهوری و مجلس از ۴ سال به ۵ سال، انتخابات همزمان ریاست جمهوری و مجلس، افزایش اختیارات ریاست جمهوری در عرصه‌هایی مانند اعلام وضعیت اضطراری، انتخاب ترکیب هیئت عالی قضات و دادستان‌ها، اختیار انحلال همزمان و اتوماتیک مجلس و مقام ریاست جمهوری و برگزاری انتخابات زودرس، رفع ممانعت از تعلق و وابستگی‌های حزبی رئیس‌جمهور، همچنین تغییر اصول دیگری مانند انحلال دادگاه‌های نظامی، تغییر روش‌ها و مکانیزم‌های بازخواست، استیضاح و نظارت مجلس و قوه قضائیه بر رئیس‌جمهور و اعضای کابینه از جمله محورهای اصلاحی بوده است. این همه‌پرسی پس از ماه‌ها مجادله در مجلس و مبارزات انتخاباتی دو اردوگاه موافق و مخالف، نهایتاً در ۲۷ فروردین ۱۳۹۶ برگزار و با مشارکت بیش از ۸۵ درصد مردم و با رقابتی تنگاتنگ با ۵۱٫۴ درصد آراء موافق و ۴۸٫۶ درصد آراء مخالف در وضعیتی پرتردید و شکننده به تأیید اکثریت رسید.

همه‌پرسی و تغییر صورت‌بندی منازعات سیاسی

منطق و محتوای تغییر ۱۸ اصل قانون اساسی که نظام پارلمانی را به نظام ریاستی تغییر می‌دهد و اختیارات گسترده‌ای برای رئیس‌جمهور فراهم می‌سازد، در چند ماه گذشته جامعه ترکیه را وارد دسته‌بندی جدیدی در عرصه رقابت سیاسی و منازعات فکری نمود و الگوی سنتی رقابت‌های انتخاباتی را دستخوش تحول نمود. اختلاف بر سر افزایش قدرت رئیس‌جمهور در برابر دیگر قوا، از یک سو شکاف‌های درون احزاب را تحریک نمود و طرفداران و بعضاً کادرهای مدیریتی احزاب به دو طیف اقلیت و اکثریت تبدیل شدند و از سوی دیگر الگوی رقابت مرسوم بین احزاب را دگرگون کرد. طبق نظرسنجی‌های معتبر چند ماه اخیر تا روز رفراندوم ۱۰ تا ۱۵ درصد از طرفداران حزب حاکم عدالت و توسعه مخالف تغییر نظام پارلمانی و نگران افزایش قدرت رئیس‌جمهور در برابر قوای دیگر بودند. بنا به برخی تحلیل‌ها و خبرها یکی از دلایل کنار گذاشتن و یا کنارگیری برخی شخصیت‌های رهبری

حزب حاکم مانند احمد داووداوغلو و یا حتی عبدالله گل، مخالفت آنها با تغییر نظام پارلمانی و الگو و مش سیاسی اردوغان بوده است. همچنین استراتژی سیاسی «حزب حرکت ملی» - از مخالفان اصلی دولت اردوغان در مجلس - در همراهی حزب حاکم در رأی مثبت به تصویب اصول پیشنهادی تغییر قانون اساسی در مجلس که موجب شد تا دولت بتواند پس از ۱۰ سال حد نصاب لازم دو سوم آراء نمایندگان مجلس را برای اصلاح قانون اساسی به دست آورد، کادر رهبری این حزب و طرفداران آن را با شکاف اساسی مواجه نمود. طبق نظرسنجی‌های پیوسته معتبر فقط یک سوم از حامیان جریان ناسیونالیستی ترکیه و محافل مدنی و اجتماعی آنها موافق با نظر دولت باغچه‌لی دبیر کل حزب حرکت ملی بودند و نزدیک به دو سوم طرفداران و نیز برخی شخصیت‌های رقیب و احتمالاً جایگزین رهبری حزب، با اصول پیشنهادی در همه‌پرسی مخالفت کردند اما مخالفان اصلی همه‌پرسی نیز که دو حزب «جمهوری خواه خلق» و حزب کردی «دموکراتیک خلق» بودند، نتوانستند به طور کامل یکپارچگی سنتی خود را حفظ کنند. برخی کادرها و یا شهرداران وابسته به جمهوری خلق به صراحت اعلام نمودند که از ریاستی شدن نظام سیاسی حمایت می‌کنند و نظر رهبران حزب را نمی‌پذیرند و نیز در مناطق جنوب غربی کردنشین، به طور متوسط نزدیک به ۴۰ درصد از طرفداران حزب کردی یا بخشی از محافظه‌کاران، میانه‌رو و طبقات مذهبی کرد بر خلاف جریان‌های سیاسی به

دادند. به لحاظ قومی نیز این همه‌پرسی شکاف کردها و ترک‌ها را از رویکرد ترجیحات سیاسی و ملی نمایان ساخت. اکثریت کردها در شرق و جنوب شرق ترکیه و در برخی مناطق مانند دیاربکر و تونجه‌لی تا ۷۰ درصد به همه‌پرسی رأی منفی دادند.

به لحاظ طبقاتی نیز نتایج نظرسنجی‌ها قبل از رأی‌گیری و نیز نتایج همه‌پرسی در شب انتخابات، حاکی از این بوده که اولاً اکثریت شهروندان ۱۷ شهر بزرگ و مهم ترکیه در استانبول، آنکارا، ازمیر، آنتالیا که دارای موقعیت تحصیلی و اقتصادی بالاتر می‌باشند، نظر و رأی منفی نسبت به تغییر نظام سیاسی داشتند و در مقابل اکثریت شهروندان طبقه متوسط در شهرهای متوسط و طبقات پایین در مناطق حاشیه‌ای، موافق با رئیس‌جمهوری قدرتمند بوده‌اند. البته صاحبان سرمایه‌های بزرگ و نیز اتحادیه‌های بزرگ صنعتی و مالی هم در منطقه غرب ترکیه (توسیاد) و اتحادیه صنایع مسلمانان مرکز آناتولی و شرق این کشور (موسیاد) به طور صریح یا ضمنی از تغییر نظام پارلمانی به ریاستی استقبال کردند و برخلاف خاستگاه‌های جغرافیایی یا رویکردهای مذهبی و فکری نظر واحدی نسبت به دولت مقتدر و ثبات سیاسی دارند. نقشه زیر گویای نکات یادشده می‌باشد.

تغییرات مورد نظر حزب حاکم رأی مثبت دادند.

البته هر چند اختلاف بر سر اصلاحات پیشنهادی در فراندوم، موازنه سیاسی و نیز الگوی رقابت را به صورت مقطعی با صورت‌بندی نسبتاً جدیدی مواجه نمود ولی الگوی رفتار انتخاباتی، شاکله و ساختار شکاف‌های اجتماعی، فکری و حتی جغرافیایی را بار دیگر نمایان نمود. به لحاظ جغرافیایی اکثریت رأی‌دهندگان در شهرهای پیشرو مدافع نظام لائیک ترکیه در مناطق غربی کشور در سواحل مرمره و اژه به صورت تقریباً یکپارچه به اصلاحات پیشنهادی رأی منفی دادند و در مقابل اکثریت قاطع مردم مذهبی و طبقات نوظهور اسلام‌گرای محافظه‌کار در مناطق مرکزی آناتولی و نیز سواحل شمالی دریای سیاه با رأی مثبت خود سرنوشت همه‌پرسی را تغییر



آثار و پیامدهای تغییر نظام سیاسی

پایان دوره نظام پارلمانی که پس از انتخابات ۲۰۱۹ ریاست جمهوری عملی خواهد شد، نقطه عطف مهمی در تاریخ رژیم جمهوری ترکیه می‌باشد و طبعاً تغییر نظام سیاسی آثار و پیامدهای مهمی در سیاست داخلی و حتی سیاست منطقه‌ای این کشور بر جای خواهد گذاشت. در عرصه داخلی تکوین نظام ریاستی به مفهوم تداوم دولت تک حزبی و رویه‌های ۱۵ سال گذشته و پایان دولت‌های بی‌ثبات و ائتلافی در این کشور می‌باشد و این امر زمینه را برای استمرار روند توسعه زیرساخت‌های حیاتی این کشور و رشد شاخص‌های اقتصادی از جمله جذب بیشتر سرمایه‌های خارجی فراهم خواهد ساخت. تغییر نظام انتخاباتی و نظام حزبی که از الزامات تغییر نظام سیاسی می‌باشد و در دوره گذار دو سال آتی از دستور کارهای مجلس ملی ترکیه خواهد بود، زمینه را برای تکوین نظام دو حزبی و البته احتمال ظهور نظام تک حزبی مسلط همانند ۱۵ سال گذشته به وجود خواهد آورد.

البته در عرصه سیاست داخلی، با توجه به رأی منفی نزدیک به نصف جامعه - که دارای نهادها و رسانه‌های قدرتمندی می‌باشد - به نظام ریاستی و تغییرات قانون اساسی، عدم تلاش حزب حاکم و شخص اردوغان برای ایجاد اجماعی ملی در خصوص مسائل مورد اختلاف و نادیده گرفتن مطالبات و انتظارات این طیف مؤثر و قدرتمند جامعه، موجب تشدید شکاف‌های گفتگویی و تعمیق وضعیت دو قطبی در جامعه ملی خواهد شد و طبعاً تلاش دولت برای مواجهه با بحران‌های سیاسی و اجتماعی احتمالی برای گرایش رئیس جمهور مقتدر به نوعی اقتدارگرایی شخصی، نظام تک حزبی مسلط و تضعیف احزاب رقیب در دستیابی به قدرت خواهد بود. به اعتقاد مخالفان، تغییر اصل ۱۵۹ و اختیار ریاست جمهوری در تعیین بخشی از اعضای هیئت عالی قضات و دادستان‌ها، باعث از بین رفتن استقلال قوه قضائیه می‌شود، اصلاح اصل ۱۰۱، بی‌طرفی سیاسی رئیس جمهور را زیر سؤال می‌برد و اصلاح اصول ۸۹ و ۹۸، قدرت مجلس را در قبال دولت کاهش خواهد داد. به علاوه، رئیس جمهور با صدور فرامین اجرایی به تنهایی خواهد توانست وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی را تأسیس، تغییر و یا تعطیل نماید. منتقدان تغییر نظام پارلمانی در چند ماه گذشته تأکید داشته‌اند که پیامد نهایی افزایش اختیارات رئیس جمهور در

مواجهه با قوای دیگر، شخصی شدن سیاست و حرکت به سمت نوعی انسداد سیاسی می‌باشد. البته به نظر می‌رسد ارائه چنین تصویری از آینده نظام ریاستی در ترکیه قضاوتی یکسویه و اغراق آمیز می‌باشد. با توجه به تجربه ۲۰۱۵ انتخابات مجلس و نیز آراء بسیار شکننده همه‌پرسی تغییر نظام، برخی سیاست‌های هنجارشکن یا غیردموکراتیک اردوغان و یا هر شخص دولتی با واکنش حتی طرفداران خود مواجه شده و از طریق مکانیزم انتخابات نسبتاً شفاف از عرصه قدرت کنار گذاشته می‌شود. مثلاً در صورت حرکت دولت به سمت خودکامگی، واکنش شرکای قدرت اردوغان و شخصیت‌های مقتدری مانند عبدالله گل، احمد داووداوغلو، بولنت آربینچ، جمیل چیچک و ده‌ها شخصیت برجسته حزبی و سیاسی جداشده از حزب حاکم را می‌توان در تأسیس یک حزب میانه‌رو در برابر حزب تحت سلطه اردوغان دانست که می‌تواند نظر بخش مهمی از احزاب مخالف، منتقدین داخلی حزب عدالت و توسعه و جامعه بین‌المللی را در انتخابات ریاست جمهوری آتی این کشور جلب نماید. بر این مبنا و با توجه به ظرفیت‌های سیاسی و مدنی و نیز تجارب تاریخی یک صد سال اخیر، امکان ظهور دیکتاتوری فردی در ترکیه حتی در کوتاه مدت نیز چندان سهل و ممکن نمی‌باشد. در عرصه سیاست خارجی و منطقه‌ای، تغییر نظام پارلمانی به ریاستی به دلایل مختلفی حداقل در میان مدت تغییر چشم‌گیری ایجاد نخواهد کرد و استراتژی‌های منطقه‌ای دولت بیشتر تابع

سیاست ایجاد منطقه امن یا پرواز ممنوع در سوریه

در طول بحران سوریه چند مسئله باعث شد تا ترکیه به طور مستمر ایجاد منطقه امن را در داخل سوریه و در جوار مرزهای شرقی خود خواستار شود. نخست، پس از این که دولت آنکارا از سرنگونی دولت بشار اسد و همراهی دولت‌های غربی مایوس شد و با سیل مهاجران و پناهندگان ناشی از بمباران شهرها از سوی نیروهای دولتی و مخالفان مسلح و داعش مواجه گردید، ضرورت ایجاد منطقه امن را برای اسکان پناهندگان سوری در داخل سوریه مطرح نمود. دوم این که پیشروی نیروهای کردی سوریه و حضور همراهی پک‌ک‌ک با آنها و نیز پیشروی نیروهای داعش به سمت مرزهای ترکیه، از نظر آنکارا تهدید امنیتی مهمی ارزیابی گردیده است. به ویژه این که گروه‌های تروریستی داعش و پک‌ک‌ک در دو سال اخیر عملیات‌های تروریستی خونینی را در داخل شهرها انجام داده و فضای سیاسی و اجتماعی این کشور را با ناامنی عمیقی مواجه نموده‌اند. از ژانویه ۲۰۱۶ تا ژانویه ۲۰۱۷، چیزی در حدود ۳۰ حمله تروریستی بزرگ و کوچک در شهرهای مختلف ترکیه صورت گرفته است که منجر به کشته شدن ۴۵۰ نفر و زخمی شدن نزدیک به ۲۰۰۰ نفر شده است. چنین موضوعی باعث شد تا دولت ترکیه در واکنش به بی‌تحرکی سازمان‌ها و قدرت‌های غربی و نیز افزایش عملیات‌های تروریستی در داخل ترکیه با جلب نظر سوریه، برای ایجاد منطقه‌ای امن در مرزهای خود در شهریور ۱۳۹۵ عملیات زمینی گسترده‌ای به نام سپر فرات را به عمق ۴۰ کیلومتر و به طول صدها کیلومتر برای کنترل داعش و نیز گروه‌های مسلح کردی آغاز نماید. طبق اظهارات مقامات نظامی و سیاسی آنکارا این عملیات که تقریباً ۶ ماه طول کشید، در فروردین ماه ۱۳۹۶ با دستیابی با اهداف خود پایان یافت. در این عملیات بیش از ۳۰۰۰ نفر از نیروهای داعش و صدها نفر از نیروهای پک‌ک‌ک و گروه‌های نزدیک به آن کشته شدند. نزدیک به ۷۰ نفر از نیروهای ارتش ترکیه نیز در شش ماه گذشته جان خود را از دست دادند.

چنین اقدام مستقل ترکیه نشانگر آن بود که دولت‌های غربی به ویژه دولت اوپاما توجه جدی به درخواست‌های آنکارا برای ایجاد منطقه امن نداشته‌اند و در دیدارها و مواضع رسمی نیز مقامات واشینگتن هر بار بهانه خاصی برای تعلل خود مطرح می‌نمودند. حمله شیمیایی به ادلب و کشته و مصدوم شدن صدها نفر در این

رویکردهای داخلی و تحولات منطقه‌ای خواهد بود. این امر به تجربه حزب حاکم در ۱۵ سال گذشته با سیاست منطقه‌ای کاملاً متفاوت سیاست تنش صفر تا سال ۲۰۱۱ و سیاست ورود به منازعات منطقه‌ای در شش سال گذشته بازمی‌گردد. در واقع این تجربه بیانگر آن است که در یک نظام سیاسی واحد، دو سیاست منطقه‌ای بسیار متفاوتی دیده می‌شود که ارتباط چندانی با نوع نظام سیاسی ندارد. نکته دوم به الزامات ژئوپلیتیکی دولت و جغرافیای ترکیه مربوط است. مسائلی مانند مداخلات و رقابت‌های منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ در پیرامون این کشور، بحران‌های قومی و مذهبی، ضرورت‌های تأمین امنیت خطوط و ترانزیت انرژی، ضرورت همکاری و حضور در ناتو و عدم امکان گسستن از سازمان‌های منطقه‌ای و اسلامی و ضرورت توجه به بازار مصرف تولیدات صنعتی و کشاورزی خود در مناطقی مانند شمال آفریقا، اوراسیا و قفقاز و نهایتاً ساختار اقتصادی غیر دولتی و نظام قشربندی اجتماعی مبتنی بر منابع و منافع الیگارش‌های مالی، رسانه‌ای و واکنش جامعه مدنی نسبتاً قدرتمند در شهرهای بزرگ سیاسی موجب می‌شود تا دولت ترکیه در آینده وارد ماجراجویی‌های پرهزینه‌ای مانند بحران سوریه نشود. البته در خصوص مسئله روند عضویت ترکیه در اتحادیه با توجه به سرخوردگی جامعه و نیز مقامات سیاسی ممکن است در آینده شاهد برخی چرخش‌ها باشیم که در بحث روابط آنکارا و اروپا به برخی زمینه‌ها و ابعاد این موضوع پرداخته می‌شود.



شهر و به دنبال آن حمله موشکی ارتش آمریکا با دستور ترامپ در اواسط فروردین ۱۳۹۶ به پایگاه هوایی الشعیرات ارتش سوریه در نزدیکی حمص، فرصت دیگری برای دولت ترکیه فراهم نمود تا بار دیگر موضوع ضرورت ایجاد منطقه امن بر فراز برخی مناطق تحت کنترل مخالفان را مطرح نموده و بر حقانیت موضع خود تأکید نماید. در همین چارچوب دولت ترکیه به دنبال حمله هوایی آمریکا نه تنها خواستار برقراری منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه و تأسیس دولت انتقالی شد، بلکه چاوش اوغلو وزیر خارجه ترکیه بر خلاف مواضع چند ماه اخیر که نقش بشار و دولت وی را در حل و فصل سیاسی بحران در دوره انتقال پذیرفته بود، در یک چرخش جدید گفت که «بشار اسد» رئیس جمهوری سوریه نباید در دولت انتقالی حضور داشته باشد.

در برابر درخواست منطقه پرواز ممنوع مقامات وزارت خارجه و نیز دفاع آمریکا و نیز برخی مقامات اروپایی از جمله وزیر خارجه آلمان و انگلیس، ضرورت ایجاد منطقه امن را مورد تأیید قرار دادند. رئیس جمهور آمریکا نیز طی تماس تلفنی با اردوغان، در ۲۸ فروردین ۹۶ ضمن تبریک در خصوص تأیید همه‌پرسی قانون اساسی بر هماهنگی و همکاری بیشتر دو کشور و ایجاد استراتژی مشترک برای کنترل بحران سوریه، عراق و نیز داعش تأکید نمود. برخی تحلیل‌گران، مواضع غربی‌ها به ویژه حملات موشکی آمریکا و مواضع تند ترامپ علیه دولت سوریه را چراغ سبز اولیه برای ایجاد منطقه امن در مرزهای شمال غربی سوریه ارزیابی می‌کنند. مواضع ترامپ و احتمال تداوم حملات موشکی آمریکا به پایگاه‌های نظامی و هوایی سوریه می‌تواند به تدریج توازن قوا در منطقه تحت کنترل مخالفان مسلح را به نفع این گروه‌ها تغییر دهد. طبعاً ممکن شدن چنین امری می‌تواند موفقیت دیر هنگامی برای آنکارا در کنترل سیل مهاجران و پناهندگان به ترکیه که تا کنون چهار میلیون نفر می‌باشند و طبق اظهارات مقامات آنکارا، اسکان و تأمین این تعداد از پناهندگان در پنج سال گذشته نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار هزینه برای این کشور در بر داشته است.

همچنین دولت اردوغان در مبارزات انتخاباتی و نیز فردای همه‌پرسی قانون اساسی عملیات سپر فرات را گام نخست برای ایجاد منطقه امن یا پرواز ممنوع به ویژه برای کنترل تروریست‌ها و نیز برهم‌زدن راهبرد نظامی - سیاسی کردهای سوریه و نیز پک‌ک در منطقه اعلام نموده و تأکید کرد که در آینده ارتش ترکیه

عملیات‌های نظامی گسترده با عناوین جدیدی را برای تأمین امنیت مرزهای خود انجام خواهند داد.

روابط با اروپا؛ زمینه‌ها و پیامدهای گسترش تنش

در ماه‌های اخیر چند موضوع از جمله عملیات‌های نظامی گسترده دولت ترکیه در منطقه جنوب شرق این کشور، واکنش اروپا به نحوه برخورد دولت اردوغان با متهمان نظامی و غیر نظامی کودتای نافرجام، نحوه برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی، سیاست منطقه‌ای ترکیه در بهبود روابط با مسکو از جمله زمینه‌های تنش در روابط فیما بین ترکیه و اروپا می‌باشند. با تحولاتی که بعد از انتخابات پارلمانی ترکیه روی داد، درگیری نیروهای امنیتی این کشور با شبه نظامیان پک‌ک‌ک دوباره آغاز شد. در این میان هجوم همه‌جانبه ارتش و پلیس ترکیه به مناطق کردنشین این کشور و جنگ سنگینی که بین نیروهای دولتی و عناصر پک‌ک‌ک به وقوع پیوست منجر به اعتراض اتحادیه اروپا پیرامون مسائل حقوق بشری شد. واکنش مقامات آنکارا، متهم کردن رهبران اروپایی به پشتیبانی از تروریسم و آسیب‌زدن به منافع و امنیت ملی ترکیه بود. معترضان به دستگیری رهبران حزب دموکراتیک خلق‌ها، حزب حامی کردها در چندین کشور دست به تظاهرات زدند. دولت ترکیه علاوه بر حملات نظامی گسترده برای پاک‌سازی منطقه از نیروهای پک‌ک‌ک که شهرها و شهرک مناطق کردنشین را با حفر خندق، تونل‌ها و سنگرها به میدان مبارزه نظامی تبدیل کرده بود، ۱۶ نفر از نمایندگان مجلس و نیز رهبران سیاسی حزب «جمعیت



فتح الله گولن نشانه رفت و بی‌پرده غرب را به هواداری از وی و هوادارانش و همچنین دست داشتن در کودتا محکوم کرد.

مسئله پناهندگی نظامیان دخیل در کودتا یا حامیان جریان گولن به کشورهای اروپایی و عدم استرداد آنها یکی دیگر از زمینه‌های تنش بین اروپا و ترکیه در چند ماه اخیر بوده است. در اسفند ۹۵ دادگاه عالی یونان در آخرین رأی، مخالفت خود را با بازگرداندن هشت نظامی ترکیه که از این کشور تقاضای پناهندگی کرده بودند، اعلام کرد. دادگاه عالی یونان به این ترتیب با نظر دادستانی این کشور در نگهداشتن این نظامیان موافقت کرده است. این هشت نظامی در جلسات دادگاه اعلام کرده بودند که در صورت استرداد، رفتاری عادلانه در زندان‌های ترکیه در انتظارشان نخواهد بود و دادستانی یونان نیز اعلام کرده بود که احتمال شکنجه این افراد در صورت بازگشت به ترکیه وجود دارد. وزیر خارجه ترکیه یونان را به نقض قرارداد میان آنکارا و آتن مبنی بر «استرداد شهروندان خاطی» این کشورها متهم کرد و گفت که با اجرای رأی دادگاه عالی یونان، این قرارداد اعتبار خود را از دست می‌دهد.

در اواسط اسفند ماه در آستانه سفر آنگلا مرکل به ترکیه اعلام شد که شماری از نظامیان ترک مستقر در پایگاه‌های ناتو، درخواست پناهندگی خود را به ادارات آلمانی تسلیم کرده‌اند. ترکیه این افراد را «کودتاچیان متعلق به جنبش گولن» می‌داند. بنا به گزارش روزنامه آلمانی اشپیگل و شبکه اول تلویزیون آلمان، نزدیک به ۴۰ افسر ارشد ترک که در پایگاه‌های ناتو مستقر هستند، از آلمان درخواست پناهندگی کرده‌اند. در این گزارش به نقل از «اداره مرکزی مهاجرت و پناجویی» و وزارت کشور آلمان آمده است که پرونده متقاضیان نظامی ترک مانند سایر تقاضاها طبق قانون مورد بررسی قرار خواهد گرفت. وزیر امور داخلی ایالت بایرن، تأکید دارد که افسران متقاضی به هیچ رو به ترکیه بازگردانده نخواهند شد. او در این رابطه اعلام کرد: «بی‌شک ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم چون سربازان بلافاصله دستگیر و به زندان منتقل می‌شوند». نوربرت روتگن، رئیس کمیته حقوقی مجلس آلمان نیز می‌گوید: «رسیدگی به درخواست متقاضیان پناهندگی یک امر حقوقی است و مسائل سیاسی نباید در این میان نقشی بازی کنند و بازی هم نخواهند کرد». چنین موضعی از نظر مقامات سیاسی و امنیتی ترکیه به منزله حمایت مقامات اروپایی از نظامیان کودتاگر و رضایت آنها به واقعه کودتا می‌باشد.

دموکراتیک خلق‌ها» را دستگیر کردند. حامیان کردهای ترکیه و معترضان به سیاست‌های آنکارا در آلمان، یونان، فرانسه و استانبول تجمع اعتراضی برگزار کردند. مقام‌های اروپایی متعددی دستگیری‌های سوم نوامبر ۲۰۱۶ را محکوم کردند. کریستین کرن، صدر اعظم و رییس حزب سوسیال دموکراتیک اتریش، اردوغان را «یک اقتدارگرا» خواند و اقدامات اخیر دولت ترکیه در دستگیری نمایندگان حزب دموکراتیک خلق‌ها و نیز روزنامه‌نگاران جمهوری را حمله‌ای غیرقابل قبول به دموکراسی و آزادی مطبوعات توصیف کرد. ربکا هارمس، رئیس فراکسیون سبزها در پارلمان اروپا نیز از ناهماهنگی دولت‌های اتحادیه اروپا در محکومیت هماهنگ دولت ترکیه انتقاد کرد و گفت که «ما نیاز به یک واکنش قاطع اروپایی داریم» و از فدریکا موگرینی، رییس سیاست خارجه اتحادیه اروپا خواست تا فوراً جلسه‌ای مشترک بین وزیران امور خارجه کشورهای این اتحادیه برگزار کند. فدریکا موگرینی، رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا یک روز پس از دستگیری رهبران حزب دموکراتیک خلق‌ها گفته بود که «به‌شدت نگران است» و خواهان جلسه ویژه سفیران اتحادیه اروپا در آنکارا شد.

همچنین شکل‌گیری کودتا علیه اردوغان در تابستان ۱۳۹۵ نقطه عطف مهمی در روابط ترکیه و کشورهای اروپایی محسوب می‌شود. دستگیری‌های گسترده پس از شکست کودتا نشان می‌داد فهرستی بلند بالا از اعضای نیروهای ارتش و پلیس و همچنین استادان دانشگاه و قضات دادگستری تهیه شده است. انگشت اتهام اردوغان به سمت جنبش نور به رهبری



با وجود این سیاست‌ها، مرکل در آستانه سفر به آنکارا در اواخر اسفند ۹۵ تأکید نمود که «به سود آلمان نیست که رشته گفت و گو با مقامات ترکیه قطع شود». صدراعظم آلمان ضمن تأیید تلاش‌های اشتاین مایر، وزیر امور خارجه آلمان، در سفر خود به ترکیه برای دیدار با اردوغان، گفت: «به نفع آلمان است که به طریقی منطقی با ترکیه همکاری کند». مرکل همچنین در دیدار از آنکارا نسبت به انتقاد رئیس‌جمهور ترکیه مبنی بر این که آلمان به قدر کافی با تروریسم در اروپا مقابله نمی‌کند، واکنش نشان داد و گفت دولتش مانند سایر کشورهای اروپایی با گروه‌های تروریستی مبارزه می‌کند.

منازعه سیاسی و دیپلماتیک در روابط ترکیه و دولت‌های اروپای غربی به ویژه هلند و آلمان پس از ممانعت اتریش از فرود هواپیمای وزیر خارجه ترکیه و نیز ممانعت هلند به ورود وزیر خانواده ترکیه در اوایل فروردین به اوج خود رسیده است؛ مسئله‌ای که ارتباط مستقیم با همه‌پرسی قانون اساسی در کشورهای مذکور دارد. البته شروع روند تنش در روابط طرفین به چند ماه پیش بر می‌گردد؛ تصویب قطعنامه فریز فرایند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا از سوی پارلمان این اتحادیه در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۶ روابط دوجانبه ترکیه با دول اروپایی را وارد مرحله جدیدی ساخت و تحولات اخیر تداوم سیاست‌های متفق‌القول اتحادیه اروپا علیه روندهای سیاسی حاکم در حکومت و سیاست ترکیه است. این قطعنامه با وجود این که غیرالزام‌آور بود اما با واکنش شدید آنکارا مواجه شد و روابط سیاسی طرفین را بیش از پیش متشنج کرده به گونه‌ای که با رخدادهای اخیر در پایتخت‌های کشورهای اروپایی و اعتراضات شهروندان ترک در اروپا و شهرهای مختلف ترکیه، عدم قطعیت در رابطه با آینده مذاکرات عضویت ترکیه در اتحادیه و حل و فصل مسئله پناهجویان افزایش یافته است.

البته آنکارا و بروکسل هر دو به خوبی از اهمیت توافق بر سر مسئله پناهجویان نیز آگاهی دارند. مرکل بدون تردید از هرگونه اختلالی در توافق خود با آنکارا در موضوع پناهجویان حداقل تا انتخابات پیش رو در آلمان جلوگیری خواهد کرد. از این رو، سایه مسئله پناهجویان موجبات احتیاط در رفتار دولتمردان کشورهای اروپایی در ماه‌های آتی را فراهم خواهد ساخت. از سوی دیگر، شهروندان و رهبران ترکیه به خوبی می‌دانند که آنها به یک روابط

سیاسی بهتر با مهمترین و عمده‌ترین شرکای تجاری خود نیاز دارند. بیش از ۳۶ درصد از صادرات و واردات ترکیه با اتحادیه اروپا است و بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ترکیه از سوی شرکت‌ها و بازرگانان اروپایی انجام گرفته است.

در سیاست داخلی بحث از فرایند اروپایی‌شدن ترکیه که زمانی به عنوان عامل توسعه، تحکیم پایه‌های دموکراسی و متعاقباً تحکیم پایه‌های حزبی عدالت و توسعه نزد جامعه مدنی چندپاره ترکیه مطرح بود، تغییر یافته است. در شرایط فعلی عوامل وحدت داخلی بر اساس مخالفت با هرگونه دخالت اتحادیه اروپا در امور داخلی که منعکس‌کننده منش ملی در حال تغییر ترکه‌هاست، مبتنی شده است. براساس نظرسنجی منتشرشده از سوی روزنامه دیلی صباح در دسامبر ۲۰۱۶، ۶۰ درصد از شهروندان ترک مخالف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بوده‌اند و حتی بخشی از جامعه یکی از عوامل بی‌ثباتی سیاسی اخیر در ترکیه را دخالت اطلاعاتی و امنیتی دول اروپایی می‌دانند. چنین برداشتی از سوی جامعه مدنی ترکیه به عنوان ظرفیت بالقوه‌ای از سوی رهبران عدالت و توسعه در نظر گرفته شده است که می‌توانند در برهه‌های حساس از آن برای بسیج عمومی بهره‌برداری کنند. موضع‌گیری‌های مکرر اردوغان هم در کمپین‌های رفراندوم قانون اساسی و هم پس از پایان آن در خصوص امکان رجوع به رأی ملت برای تداوم یا عدم تداوم روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حاکی از چرخش جدی

مشروعیت خواهد داد. سیاست‌های دولت‌های اروپایی علاوه بر ضد ترکیه بودن، اسلام‌هراسی را نیز در گفتمان سیاست خارجی ترکیه وارد خواهد ساخت. با چنین روندی بعید نیست که ترکیه به پیشگام جبهه مبارزه با غرب در نزد افکار عمومی جهان اهل سنت تبدیل شود. موضوعی که در چند سخنرانی اردوغان و دیگر مقامات ترکیه پس از پایان همه‌پرسی می‌توان مشاهده نمود. در سطح داخلی نیز در مجموع افزایش تنش با اروپا تا حدودی باعث تقویت مواضع طرفداران تغییر نظام سیاسی در همه‌پرسی ۲۷ فروردین گردید. اردوغان به صورت مستمر از مسئله تنش با اتحادیه اروپا برای جذب آرای ناسیونالیست‌های ترکیه بهره‌برداری کرده است و به خوبی می‌داند که چگونه از تهییج افکار عمومی به ویژه طبقه سنتی و مذهبی منطقه آناتولی مرکزی برای اهداف سیاست داخلی و خارجی خود استفاده کند.

بر همین مناسبت که برخی تحلیل‌گران معتقدند که تنش چند ماه گذشته بیش از هر چیزی ریشه در سیاست داخلی شخص اردوغان و حزب عدالت و توسعه به ویژه برای به نتیجه رساندن موضوع تغییر قانون اساسی و رفراندوم ۲۷ فروردین ۹۶ دارد. در مقابل تفسیر دولت ترکیه از رفتارهای اروپایی‌ها این است که آنها در صددند با جلوگیری از کمپین‌ها و سخنرانی‌های مقامات ترکیه در پایتخت‌های اروپایی نظر مثبت اکثریت شهروندان ترک مقیم اروپا را نسبت به تغییر نظام سیاسی تغییر دهند اما شواهد گویای آن است که این سیاست نتیجه عکس دارد، به مانند آنچه در انتخابات پارلمانی یک نوامبر ۲۰۱۶ اتفاق افتاد و بیش از ۵۷ درصد از شهروندان ترک مقیم اروپا با وجود انتقادات مقامات اروپایی از سیاست‌های اقتدارگرایانه اردوغان، به حزب عدالت و توسعه رأی دادند. همچنین نتایج آراء شهروندان ترک مقیم اروپا حاکی از آن است که نزدیک به ۵۵ درصد از آنها در همه‌پرسی تغییر قانون اساسی رأی مثبت داده‌اند که از میانگین آراء مثبت داخل ترکیه تقریباً سه درصد بیشتر بوده است.

طرح مجدد مسئله برگرداندن مجازات اعدام به نظام جزایی ترکیه پس از کودتای نافرجام یکی دیگر از موضوعات تنش آفرین هم در سیاست داخلی و بین احزاب موافق و مخالف بوده و زمینه برای انتقاد و هشدارهای مکرر دولت مردان اتحادیه اروپا به آنکارا بوده است. اردوغان در بحث از سرگیری مجازات اعدام در ترکیه،

حزب حاکم در خصوص این موضوع مهم سیاست خارجی آنکارا در چند دهه گذشته می‌باشد. چرخشی که متأثر از نوع رویکرد و واکنش رهبران و دولت‌های اروپایی در موضوعاتی مانند تنها گذاشتن ترکیه در بحران سوریه، بی‌تفاوتی نسبت به کودتا، عدم همکاری با ترکیه در استرداد نظامیان پناهنده و نیز برخورد این کشورها با فعالیت‌های رسانه‌ای و اجتماعی گسترده پک‌ک در اروپا است.

تبعات و پیامدهای تنش در روابط ترکیه و کشورهای اروپایی در سطوح مختلف قابل بررسی است. در سطح بین‌المللی، این مسئله از یک سو موجب دوری ترکیه از ابتکارات سیاسی و دیپلماتیک بروکسل می‌شود و از طرف دیگر جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه گرایش به توسعه روابط سیاسی با روسیه و همکاری اقتصادی با اعضای سازمان شانگهای را متمرکزتر خواهد نمود. یکی از نتایج کوتاه‌مدت این تغییر جهت‌گیری، بحران در حل و فصل مسئله پناهجویان خواهد بود. موضوع دیگر به کم و کیف روابط راهبردی ترکیه با متحدین ناتوی خود در مسئله مبارزه با تروریسم در کانون‌های بحران خاورمیانه می‌پردازد که بدون تردید شاهد تداوم سیاست‌های تک‌جانبه و ابتکاری ترکیه در شناسایی و مبارزه با گروه‌های تکفیری و کردی خواهیم بود؛ مسئله‌ای که یکی از اختلاف‌نظرهای میان ترکیه و دول اروپایی بوده است. در سطح منطقه‌ای، ترکیه با بزرگ‌نمایی تهدیدهای حاصل از سیاست‌های بروکسل در داخل به ورود به تحولات خاورمیانه و معادلات جهان اسلام

همراهی دست‌راستی‌ها را دارد. دولت باغچه‌لی، رهبر حزب حرکت ملی گفته است اگر حزب عدالت و توسعه آماده تغییر قانون باشد، ما هم آماده‌ایم. رهبر حزب حرکت ملی گفته که با اعدام متهمان اقدامات تروریستی یا کسانی که به دولت با کودتا اعلان جنگ داده‌اند، مخالفتی ندارد. در مقابل حزب جمهوری‌خواه خلق مخالف از سرگیری مجازات اعدام است. حزب دموکراتیک خلق‌ها نیز که به کردها نزدیک است، با بازگرداندن مجازات اعدام موافق نیست. صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر این حزب قبل از بازداشت در پاییز سال گذشته در مورد صدور حکم اعدام برای عوامل کودتا معتقد بود که مجازات نمی‌تواند عطف به ماسبق شود. در مبارزات همه‌پرسی قانون اساسی نیز این موضوع یکی از محورهای مورد توجه احزاب برای جلب آراء طرفداران خود بوده است. نخست‌وزیر ترکیه به عنوان دبیر کل فعلی حزب عدالت و توسعه در کمپین فراندوم اصلاحات قانون اساسی و قبل از آن مکرر تأکید کرده که «ترکیه مجازات اعدام را با نظر به مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ لغو کرد، در عین حال ما نمی‌توانیم مطالبات شهروندان خود را نیز برای از سرگیری این مجازات نادیده بگیریم». در شب روز همه‌پرسی قانون اساسی نیز تجمع کنندگان در جلو محل اقامت اردوغان در استانبول شعارهایی در بازگرداندن مجازات داشتند که با تأیید اردوغان مواجه شد و آن را مورد بررسی دانسته و بخشی از دستور کار آتی دولت ترکیه اعلام کرد.

نتیجه‌گیری

سیاست داخلی و خارجی ترکیه در چند ماه اخیر مواجه با تنش‌ها و فراز و نشیب‌های گسترده‌ای بوده است که نشانگر پیوند عمیق مسائل و چالش‌های داخلی با مسائل و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این چارچوب مهمترین موضوع مؤثر بر تحولات و روندهای سیاسی در چند ماه اخیر، بسته پیشنهادی حزب حاکم برای تغییر و اصلاح قانون اساسی ترکیه بود. این اصلاحات که در ۲۷ فروردین با اکثریتی شکننده به تأیید ۵۱٫۴ درصد مردم رسید و مقدمات تغییر نظام پارلمانی را به نظام ریاستی فراهم کرد، زمینه مجادلات و تنش‌های گسترده‌ای را بین حزب حاکم و دولت ترکیه با احزاب و جریان‌های مخالف در داخل و دولت‌ها و محافل اروپایی در

خارج را به وجود آورد و به نظر می‌رسد ماه‌ها و سال‌های آتی نیز در دوره گذار به سیستم ریاستی همچنان مبنایی برای تداوم این تنش‌ها خواهد بود. این تغییر ساختار سیاسی طبعاً تأثیرات و پیامدهایی در عرصه داخلی و منطقه‌ای خواهد داشت که سعی شد به برخی از ابعاد این پیامدها در نوشتار حاضر اشاره شود.

در سیاست خارجی روابط ترکیه با همسایگان و نیز اتحادیه اروپا تحت تأثیر نحوه برخورد مقامات سیاسی و قضایی ترکیه با عوامل کودتا و نیز درگیری‌های نظامی ارتش ترکیه در مناطق کردنشین و نیز مسئله توافق با اروپا در موضوع کنترل مهاجران و نیز اعدام قرار داشت. همچنین در سیاست منطقه‌ای ترکیه پس از حمله موشکی ارتش آمریکا به پایگاه هوایی ارتش سوریه مجدداً ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه را در دستور کار سیاست خارجی قرار داد و در عین حال برای دستیابی به راه حلی سیاسی در سوریه در مذاکرات چندجانبه آستانه با مشارکت ایران و روسیه نقش فعالی داشت. نکته عطف موضع‌گیری ترکیه در موضوع سوریه که به نوعی پس از روی کار آمدن ترامپ، چرخشی محسوب می‌شود، پذیرفتن نقش دولت بشار در دوره انتقالی بوده است.